



شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۶۱

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگر ان

حسن روحانی: حجاب اجباری

در ایران نظر من بود

بعد از انتقاد علمای قم به وضع حجاب در سال ۵۷ و با وجود مخالفت‌های مردم و زنان بی‌حجاب جامعه، با نظر مثبت من، تصمیم گرفتیم حجاب را الزامی کنیم و طرح «اجباری شدن حجاب» در ارتش به عهده من بود که به همه دژیان‌ها گفتم هیچ زن بی‌حجابی را از فردا راه ندهید.

در گام اول، همه زنان کارمند مستقر در ستاد مشترک ارتش را که نزدیک به ۳۰ نفر بودند، جمع کردم و پس از گفت‌وگو با آنان قرار گذاشتیم از فردای آن روز با روسری در محل کار حاضر شوند. زنان کارمند که همگی به جز دو یا سه نفر بی‌حجاب بودند، شروع کردند به غر زدن و شلوغ کردن ولی من «محکم» ایستادم و گفتم: از فردا صبح، «دژیان» مقابل در ورودی موظف است از ورود خانم‌های بی‌حجاب به محوطه ستاد مشترک ارتش جلوگیری کند.

حسن روحانی/خاطرات (چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۸) - جلد ۱، صفحات ۵۷۱ و ۵۷۲

چه کسی دانشجویان را باحجاب کرد؟

استاد محمدرضا حکیمی می‌گوید: «اینجانب از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدریس می‌کردم و دانشجویانی بسیار، حتی از دانشگاه‌های دیگر، به صورت مستمع آزاد در آن کلاس (درس نهج‌البلاغه) حاضر می‌شدند؛ تا آنجا که تعدادشان به ۳۰۰ نفر می‌رسید. نیعی از حاضران خانم‌ها بودند و همه با حجاب. آن خانم‌ها از کسانی بودند که تحت تأثیر شریعتی و مطالعه آثارش، حجاب را انتخاب کرده بودند.» محمد رجبی از دانشجویان آن دوره نیز می‌گوید: «اینجانب در سال ۱۳۴۷ که در دانشگاه رفتم، فقط یک خانم چادری در آنجا بود. از این رو برای تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان که حضور خانم‌های با حجاب در آن ضروری بود، دچار مشکل بودیم. پس از گذشت چند سال من به زندان افتادم و هنگامی که در سال ۱۳۵۵ آزاد شدم و به دانشگاه رفتم، بسیاری از خانم‌ها را با حجاب دیدم که همه متأثر از شریعتی و کتاب‌های او بودند.»

محمد اسفندیاری/شعله بی‌قرار (گفته‌ها و ناگفته‌هایی درباره دکتر علی شریعتی) شرکت سهامی انتشار- صفحه ۵۶

چگونه چادری و انقلابی شدم؟

پدر همیشه هوای ما را داشت. لب تری‌م‌کردیم، همه‌چیز آماده بود. ما ۴ تا خواهریم و ۲ تا برادر؛ فریبا که سال بعد از من با جمشید- برادر منوچهر- ازدواج کرد، فرانک، فهیمه و من، محسن و فریبرز. توی خانه ما برای همه ارادی به یک اندازه بود. پدرم می‌گفت: «هر کار می‌خواهید بکنید، بکنید؛ فقط سالم زندگی کنید.» ۱۵-۱۴ سال بود که شروع کردم به تنگبختی‌های هوای درس خواندن، با دوستان می‌نشستم کتاب‌های «دکتر شریعتی» را می‌خوانیدیم. کم‌کم دوست داشتم «حجاب» داشته باشم. مادرم از حجاب خوشش نمی‌آمد. گفته بودم برای وقتی که با دوستام می‌روم زیارت، حجابم بپوشم. هر روز چادرم را تا می‌کردم می‌گذاشتم ته کیفم، کتاب‌هایم را می‌چیدم روش. از خانه که می‌آمدم بیرون، سرم می‌کردم تا وقتی برمی‌گشتم. آن سال‌ها، چادر یک موضع سیاسی بود. خانواده‌ام از سببسی شدن خوش‌شان نمی‌آمد. پدر می‌گفت: «هن ته ماجرا را می‌بینم، شما شرت و شورش را.» اما من «انقلابی» شده بودم.

مریم برادران/منوچهر مدق به روایت همسر شهید فرشته‌ملکی اینک شوکران، جلد یک انتشارات روایت فتح – صفحات ۱۱ و ۱۲

مسجد گوهر شاد در خون...

تحصن باز هم ادامه یافت. سرانجام دستوری که نباید می‌رسید، رسید: «حتی اگر ۱۰ هزار نفر هم کشته شوند؛ امشب آستانه و مسجد [آگوهرشاد] باید فتح شود.» جای هیچ چون‌وچرایی هم نبود، چون دستور از شاه ارشادش! شخشا ابلاغ کرده بود. قبل از انجام عملیات، نظامی‌ها ععدای از سرنشانان را با ترفند از جمعیت متحجم خارج کردند تا مبادا ریخته شدن خون آنها برای‌شان شر شود و مردم به خون‌خواهی آنها قیام دوباره‌ای را بیندازند. ماندند مردم عادی که عموماً هم خاوری‌های اطراف مشهد بودند؛ گويا شاه برای اجرای عملیات هماهونی‌اش، مقداری لازم داشت. «پیتر اوری» که «تیروهای ارتش که مجهز به مسلسل بودند، به داخل مسجد هجوم بردند.» حرم توسط نظامی‌ها و تجهیزات‌شان از هر طرف محاصره شد و ناگهان صدای تیراندازی صحن مسجد را پر کرد و بعد از آن از هر گوشه و کنار، صدای ضجه و ناله و فریاد کمک‌خواهی به آسمان رفت. یک ساعتی طول کشید تا مسجد فتح شد و نظامی‌ها آن را تحت کنترل خود گرفتند. گفته‌اند آمار درستی از کشته‌شده‌ها در دست نیست. همه رعایایی بودند گمنام، زائرانی از ولایات که بعد از فتح مسجد کشته و زخمی‌شان را جمع کردند و در یک گور دسته‌جمعی دفن کردند. صدر نوشته: «کشثار، بی‌رحمانه بود و متولیان زیاد و دیوارهای مسجد و ایوان[ا] مقصوره تا بالا به خون ملوث.»

الهام بوسفی /زن روز (گزارشی کوتاه از کشف حجاب رضاخانی) انتشارات میراث اهل قلم – صفحات ۳۴ و ۳۵

حضرت امیر المومنین(ع)

یاد دوست خود در اظهار محبت سنگ تمام بگذارد ولی صددرصد به او اعتماد نکن وشوهد احتیاط پندشه کن وبا او به مواسات رفتار کن اما همه اسرار خود را به او مگو.

نوی در پاسخ به سوالات ما، او این جمله را تکرار کرد. مشخصاً سوال این بود: آیا بروز بحران‌هایی همچون جنگ و تکتیک‌های‌شان سوق دهد؟ این کارشناس فرهنگی و رسانه‌ای اگر چه امیدوارانه و در برخی نقاط با نگاهی حماسی نسبت به همبستگی ملی و زعامت جریان مقاومت صحبت می‌کرد اما در قضاوتش نسبت به‌دستگاه رسانه‌ای و فرهنگی کشور، هیچ کوتاه نمی‌آمد و تأکید داشت که این دستگاه‌ها و مدیران‌شان همچنان گرفتار مسائلی هستند که از مدت‌ها قبل گریبانگیرشان بوده‌است. هیچ‌کس نیست که نداند جبهه ایران، در جنگی که پس از تجاوز رژیم صهیونیستی شکل گرفت، به لحاظ تبلیغاتی آرایش بسیار خوبی پیدا کرده و همه‌چیز با شکوه و همبستگی و حماسه جلو رفت اما صحبت‌های اکبر نبوی این سوال را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند که آیا این را باید به پای مسؤولان فرهنگی کشور گذاشت و از سر تدبیر آنها دانست یا این خود مردم بودند که بنا به تجربه‌های تاریخی‌شان و شناختی که از هویت خودشان داشتند، چنین آرایشی گرفتند؟ موضوع گفت‌وگوی ما با اکبر نبوی این بود که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در جنگ تحمیلی دوم، چطور و با چه کیفیتی انجام شد و در ادامه باید چگونه باشد؟ آنچه می‌خوانید نسخه‌ای کوتاه شده از گفت‌ووی ۲ ساعته با اکبر نبوی است. او با حوصله و با تکتک سوالات درباره آرایش دستگاه‌های فرهنگی در وضعیت جنگی پاسخ می‌داد و نگاهی آسیب‌شناسانه داشت که پیشنهاداتی برای دوره گذار از وضعیت موجود در آنها وجود داشت.

«امیدوار نیستم!». یکی دو بارِ حسین گفت‌وگو با اکبر نبوی در پاسخ به سوالات ما، او این جمله را تکرار کرد. مشخصاً سوال این بود: آیا بروز بحران‌هایی همچون جنگ و تکتیک‌های‌شان سوق دهد؟ این کارشناس فرهنگی و رسانه‌ای اگر چه امیدوارانه و در برخی نقاط با نگاهی حماسی نسبت به همبستگی ملی و زعامت جریان مقاومت صحبت می‌کرد اما در قضاوتش نسبت به‌دستگاه رسانه‌ای و فرهنگی کشور، هیچ کوتاه نمی‌آمد و تأکید داشت که این دستگاه‌ها و مدیران‌شان همچنان گرفتار مسائلی هستند که از مدت‌ها قبل گریبانگیرشان بوده‌است. هیچ‌کس نیست که نداند جبهه ایران، در جنگی که پس از تجاوز رژیم صهیونیستی شکل گرفت، به لحاظ تبلیغاتی آرایش بسیار خوبی پیدا کرده و همه‌چیز با شکوه و همبستگی و حماسه جلو رفت اما صحبت‌های اکبر نبوی این سوال را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند که آیا این را باید به پای مسؤولان فرهنگی کشور گذاشت و از سر تدبیر آنها دانست یا این خود مردم بودند که بنا به تجربه‌های تاریخی‌شان و شناختی که از هویت خودشان داشتند، چنین آرایشی گرفتند؟ موضوع گفت‌وگوی ما با اکبر نبوی این بود که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در جنگ تحمیلی دوم، چطور و با چه کیفیتی انجام شد و در ادامه باید چگونه باشد؟ آنچه می‌خوانید نسخه‌ای کوتاه شده از گفت‌ووی ۲ ساعته با اکبر نبوی است. او با حوصله و با تکتک سوالات درباره آرایش دستگاه‌های فرهنگی در وضعیت جنگی پاسخ می‌داد و نگاهی آسیب‌شناسانه داشت که پیشنهاداتی برای دوره گذار از وضعیت موجود در آنها وجود داشت.

■ **در شرایط بحرانی، بین بخش‌های مختلف جامعه (برای ایجاد و حفظ تعادل) یک آرایش جدید شکل می‌گیرد. این آرایش می‌تواند نتیجه یک تلاش یا کنش جمعی برای سازگاری با آن شرایط بحرانی باشد. به طور طبیعی، جریان‌ها و کنش‌های فرهنگی هم از این قاعده مستثنا نیستند، سوال این است که کدام مسیرها و فرآیندها می‌توانند صورت مطلوبی به دستگاه‌ها و تصمیمات فرهنگی بدهند؟**

برای پاسخ به این سوال ناچاریم به واقعیت‌های سازمان حکمرانی فرهنگ، هنر و رسانه کشور طی چند دهه اخیر توجه کنیم؛ بعد ببینیم حالا توقعاتی که مردم از دستگاه‌های فرهنگی دارند، چقدر امکان تحقق دارند. من ۶ شاخص را برای درک وضعیت امروز دستگاه‌های فرهنگی در نظر می‌گیرم که اگر بخواهیم معدل‌شان را بر اساس این شاخص‌ها و بر مبنای مأموریت‌های ملی‌شان بسنجیم، در بهترین حالت عدد ۷ از ۲۰ است.

■ **و آن ۶ شاخصه چیست؟**

اگر بخواهم آن ۶ مورد را به عنوان ویژگی‌های اصلی یک دستگاه فرهنگی شاخص کنار هم بشمارم عبارت‌اند از: ۱- آراء، ۲- توان، ۳- پندنگری، ۴- برنامه، ۵- پیوستگی و ۶- خستگی‌ناپذیری. اراده‌ها معمولاً برمی‌گردد به انگیزه‌ها، انگیزه‌ها، آرمان‌ها و اهداف. اینها اراده‌ها را شکل می‌دهند. توان برمی‌گردد به اینکه یک دستگاه فرهنگی یا مدیر فرهنگی چقدر توان لجستیکی و مدیریتی دارد؛ اینکه در گام اول چقدر قدرت و توان هماهنگ‌سازی میان بخش‌های مختلف زیرمجموعه خود را دارد و در گام دوم ببیند میان سایر دستگاه‌ها چه کسانی مأموریت‌های مشابه دارند. ایندنگری این است که یک دستگاه فرهنگی صرفاً افراد را ببیند. اساس کار فرهنگی و هنری یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم و ریزبینانه داشتن نگاه استراتژیک در راهبردی است. یک استراتژیست عاقل در حوزه فرهنگ مثل یک شیعه عاقل رفتار می‌کند. بارها گفته‌ام شیعه پایش بر زمین واقعیت است و سرش در آسمان آرمان‌ها. یعنی توانم واقعیت و آرمان را می‌بیند و بین این دو وساطت هماهنگی ایجاد می‌کند ویژگی چهارم، داشتن برنامه است. در دستگاه فرهنگی کم‌درواهی را شاهد هستیم که واجد برنامه‌های منسجم و دقیق باشند. عموماً دچار روزمرگی هستند؛ شرایط و زمان گاهی چپ‌پای را به آنها تحمیل می‌کند. اگر احیاناً شاهد کارنامه‌شان محصولی ببینند، به دلیل برنامه‌های‌شان نیست؛ اینگونه نبوده که آنها برنامه‌ای داشته باشند و بایند؛ بگویند خب الان وضعیت جامعه امروز اینگونه است، ۵ سال بعد جامعه شرایط جدیدی پیدا می‌کند که مؤلفه‌ها و نیازهایش به شکل دیگری خودش را نشان می‌دهد و حالا اینها به این فکر باشند که هم برای امروز و نشان می‌دهد و حالا اینها به هم برای نیازهای ۵ سال بعد شما نگاه کنید به همین دستگاه موابیل که الان دیگر تقریباً مثل نقل و نبات در دست کودک و پیرمرد و پیرزن است. به نظر من از وقتی ابراهاری ارتباطی پیرامون این دستگاه توسعه پیدا کرد، مطلقاً سازمان حکمرانی این آن تعریف نداشت؛ چه زمانی که این تکنولوژی (فناوری) اوایل دهه ۷۰ در این کشور آمد، چه زمانی که آرام آرام این گوشی شروع کرد قابلیت‌های جدیدی از خود نشان دهد. پس برنامه داشتن خیلی اهمیت دارد بویژه در شرایط فعلی که نداشتن برنامه و باتکلیف گذاشتن دستگاه‌های متعدد فرهنگی، خسارت‌های مهلکی را متوجه بدنه فرهنگی و هنری می‌کند. شاخص پنجمی که عرض کردم پیوستگی است، یعنی ادامه داشتن یک سیاست فرهنگی، حتی اگر سیاستی غلط باشد باید پیوستگی داشته باشد. ما یک ضرب‌المثل داریم که «هر هو آن نیست که کند و گهی خسته رود/ رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود». در زمینه فرهنگی که نیاز به صبوری دارد و یک فرآیند آهسته و بطئی است، پیوستگی سیاست‌های فرهنگی یکی امر بدیهی است. در توضیح ششمین ویژگی باید بگویم دستگاه‌های فرهنگی در اجرای سیاست‌های اصل و دقیق‌شان در حوزه فرهنگی باید خستگی‌ناپذیر باشند. یک مدیر فرهنگی در اجرای سیاست‌های فرهنگی که مبتنی بر منافع ملی است، باید نسته‌به‌باشد. حالا با این توصیفات که داشتم بروید مرور کنید در کمترین دوره‌ای از ادوار حیات دستگاه‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ببینید که این ویژگی‌ها را داشته باشد. یعنی مدیری که هم صلاحیت و هم اهلیت داشته باشد و بتواند این ویژگی‌ها را در راستای پیشبرد اهدافش حفظ کند. متأسفانه به دلیل فقدان راهبرد فرهنگی، عموماً مدیران فرهنگی درست انتخاب نشده‌اند. یک سال پیش توفیتی زدم که تقریباً بالای ۸۰ درصد وزرای فرهنگی کشور، برپای انتخاب شدند و اصلاً ربطی به این حوزه نداشتند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی مدیرعامل: زهرا شکیبایی سردبیر: سید عابدین نورالدینی

اکبر نبوی، پژوهشگر فرهنگی – رسانه‌ای در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

با فرهنگ شوخی نکنیم

اطلاعاتش زیاد است. جامعه که می‌گویم اینجا منظومر کسانی

است که می‌خواهند مدیر فرهنگی شوند، منظومر توده مردم نیست. اطلاعات زیاد است اما اطلاعات الزاماً سواد نمی‌آورد. بله! ما به ابزار دانایی که قوای تحلیلی داشته باشد نیاز داریم. اطلاعات ابزار دانایی است و متأسفانه کسانی که به این ابزار دسترسی دارند فکر می‌کنند می‌توانند فرآیندها و ساختارهای پیچیده فرهنگی را تحلیل کنند. نکته بعدی اینکه در دهه ۶۰ یک نوع تشنگی برای یادگیری بوده؛ خیلی افراد تشنه یادگیری بودند.

■ **یادگیری به چه چیزی؟**

یادگیری در هر کاری، تشنه بودند یاد بگیرند. مثلاً خاطرات بعضی کارگردانان دهه ۶۰ را نگاه کنید. کسانی که بعد از انقلاب وارد حوزه کارگردانی شدند. رسول ملاقلی‌پور در خاطراتش می‌گوید من رفتم کارگری صحنه کردم، تی می‌کشیدم و فلان کار را می‌کردم تا کار را یاد بگیرم. آنچه گفتم صرفاً مربوط به دهه ۶۰ نیست، رویدد خاطرات خیلی از نام‌های بزرگ هنری را نگاه کنید، اینها می‌دانستند کار فرهنگی – هنری دشوار است، چه مدیریتی و چه آفرینش. کارگردانی که به هر حال صاحب‌نام بودند، سال‌ها دستیاری می‌کردند و فیلم کوتاه می‌ساختند بعد مجوز ساخت فیلم بلند می‌گرفتند.

■ **فارغ از درست و غلط بودن مشابَهت‌سازی که بین جنگ تحمیلی دهه ۶۰ با این روزهای جنگی انجام می‌شود، به لحاظ بسیج و سازماندهی دستگاه‌های فرهنگی در شرایط بحرانی و همچنین عزم مدیران فعلی را برای اصلاح ساختارهای فرهنگی چقدر شبیه دهه ۶۰ می‌بینید؟**

بین جنگ تحمیلی فعلاً ۱۲ روزه با جنگ ۸ ساله دفاع مقدس، به لحاظ شیوه‌ها و ابزارهای جنگی و حتی مدت زمان جنگ مشابهتی وجود ندارد و شرایط تغییر کرده است اما درباره سوال شما و به لحاظ رفتار سازمانی در دستگاه فرهنگی باید بگویم برخلاف دهه ۶۰ در این روزها هیچ اراده‌ای بین مدیران برای تغییر یا اصلاح وضع موجود نمی‌بینم.

■ **اگر بخواهیم مجموعه اقدامات فرهنگی سال‌های دفاع مقدس را مرور کنیم، به نظر شما کدام وجوه عملیاتی آن سال‌ها را برای امروز ایران لازم‌الاجرا می‌دانید؟**

به نظر من بخش از آن اتفاق بزرگی که در دهه ۶۰ رقم خورد در خاطر همان ۶ شاخصه‌ای است که ابتدای صحبت‌هایم گفتم. ما در آن سال‌ها این ۶ شاخصه را حتی در بین تک‌هنرمندان می‌دیدیم. به معنای درست کلمه در آن دوره، همه کشور اعز مدیریتی‌های ارشد تا مدیریتهای میانی تا هنرمندان، به گونه‌ای خود را در ساحت مجاهدت برای کشور می‌دانستند. این مجاهدت خیلی مهم است. چیزی که ما دقیقاً در همین جنگ ۱۲ روزه در بین توده‌های مردم دیدیم. شاید این نوع همبستگی ملی که در این ۱۲ روز اتفاق افتاد، آن هم به این پرتنگی و در یک زمان کوتاه را در زمان جنگ کمتر دیده باشیم. این رفتاری که مردم از خود نشان دادند، اگر جنگ زمینی بود و هم‌زیر اسرائیل بودیم، با این همبستگی ملی و این غروری که در توده مردم ایران احیا شد، نمی‌دانم چقدر جمعیت می‌ریخت به سمت مرزا.

■ **خیلی جالب است که شما جریان‌ها و توده‌های مردمی را جلوتر از دستگاه فرهنگی می‌بینید.**

همیشه همین‌طور بوده است. همیشه مردم چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، هم از روشنفکران جلوتر بودند و هم از مسؤولان. این مردم، اراده‌شان برای حفظ کشور، اراده‌شان برای حفظ تاریخ و تمدن و میراث فرهنگی این کشور، خیلی جلوتر از دیگران بوده است. اگر این مردم اینگونه نبودند که ایران سرپا نمی‌ماند.

■ **با توجه به وضعیتي که نداشتیم، پس کارکرد دستگاه فرهنگی چیست و چه باید بکند که از مردم خودش هم عقب نیفتد؟**

گام اول به نظر من این است که حکمرانی تعریفش را از فعالیت‌های فرهنگی – هنری قطع بازوز کند.

■ **یعنی به لحاظ تکنیکال به‌روز کند؟**

نخیر! از همه نظر به‌روز کنند؛ نه صرفاً اینکه ما وارد دنیایی شدیم که ابزارهایی در اختیار هست که اتفاقاً کار را سخت‌تر کرده. اینکه بخش کوچکی از کار است؛ قبول دارم بخش مهمی است اما مساله مهم‌تر این است که دستگاه‌های حکمرانی باید تعریف‌شان را از فعالیت فرهنگی اصلاح کنند. دومین کار اینکه بعد از ۴۵ سال باید استراتژی فرهنگی – هنری به شکلی روزآمد تدوین شود.

■ **این کار را که شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌کند و هر سال در حال تشکیل و تدوین سندهای راهبردی است؟**

نخیر! وقتی می‌گویم تعریف‌مان را در حوزه فرهنگ روزآمد کنیم شاید اساساً به این نتیجه برسیم که دیگر جاهایی مثل شورای انقلاب فرهنگی موثر نیست، ضمن اینکه این سندهایی که می‌گوید استراتژی نیست. ما هنر سسند نویسی‌مان خوب است اما باز هم ارجاع می‌دهم به آن ۶ شاخصه، سند نوشتن کاری ندارد، مهم اراده و توان برای اجزاست.

■ **مسوادی که گفتید مشکلات اساسی است و نیاز به یک برنامه طولانی مدت دارد. اگر بخواهیم اورژانسی وضعیت فعلی را ارزیابی کنیم و برایش نسخه بیچیم، چه پیشنهاداتی را برای مدیران فرهنگی دارید؟**

به نظر من اورژانسی و فوری فوتی برای پاسخ به بخشی از نیازهای جامعه باید یک نشورای هماهنگی شکل بگیرد که در عمل بتواند میان نهادهای تولیدکننده فرهنگی هم‌افزایی ایجاد کند. این موردی می‌تواند موفق باشد تا زمانی که ما واقعاً شخم بزنیم. متعقدم باید خاک سازمان‌های

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷ |
پيام‌سان: vatanemrooz@ | پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir |
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

فرهنگی و هنری را شخم بزنیم و زیرورو کنیم.

■ **فکر می‌کنید در این شرایط می‌توان سمت اصلاحات اساسی در دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ای رفت و به قول شما خاک این بخش‌ها را شخم زد؟**

عرض کردم که در کوتاه‌مدت باید یک دشورای هماهنگی فرهنگی شکل بگیرد اما این را نمی‌توان کتمان کرد که کژکارکردی دستگاه‌های فرهنگی پیش از این مشخص شده بود و در شرایط بحرانی هم خودش را بیشتر نشان داد؛ پس باید قبول کنیم که راه اصلی هرس کردن‌های جدی در دستگاه‌های فرهنگی است اما چون سوال شما مربوط به وضعیت فعلی است، باید بگویم ابتدا یک شورای هماهنگی جدی، نه فرمایشی، باید شکل بگیرد. حالا این شورا چه کار می‌تواند بکند؟ از کارهای تکراری می‌تواند جلوگیری کند؛ بالاخره بودجه این کشور محدود است؛ یک کشمش است و ۴۰ قلندر، ۲ ریال پول است و این را باید عادلانه توزیع کرد. الان یکی از مسائل مهم که در دستگاه فرهنگی – هنری شاهد هستیم، عدالت در توزیع منابع فرهنگی – هنری است. توزیع عادلانه صرفاً این نیست که پول را مساوی تقسیم کنیم، اجرای عدالت به این معنا که بر اساس شایستگی‌ها و توانمندی‌ها منابع توزیع شود. بنابراین من این شورای هماهنگی را خیلی مهم می‌دانم و اسامی را می‌گذارم شورای گذار؛ گذار به چه چیزی؟ هنری و اصلی که ما به یک سازمان فرهنگی – هنری در کشور برسیم. البته نه سازمانی با الگوهای دهه ۶۰، بلکه سازمانی که بتواند بنا به وضعیت امروز با اتفاقات و تحولات روز خودش را روزآمد کند. یکی دیگر از کارهایی که در این ایام و به صورت کوتاه‌مدت باید انجام شود، در حوزه رسانه و مشخصاً رسانه ملی است. اگر بنایبست‌رئیس سازمان صدوسیما عوض شود، دست‌کم باید مدیران میانی صدوسیما تغییر کنند؛ چون بالاخر صدوسیما دستگاه فرهنگی – هنری – رسانه‌ای است و در آنجا هم بالاخره باید یک اتفاقی بیفتد. ما نمی‌توانیم بگویم وزارت ارشاد و لوح و حوزه فرهنگی، به در این سال‌ها به واسطه جنس رفتاری که صدوسیما در پیش گرفته بود، وقتی درباره اصلاح ساختاری این سازمان صحبت می‌شود، عمده اشکالات را متوجه نوع مواجِه با نخبگان یا فعالان فرهنگی می‌دانیم. مثلاً می‌گویند دایره تنگ صدوسیما خیلی‌ها را در خود جانی‌دهد. به نظر شما تلاش برای بازگشت چهره‌ها یا دعوت از سلاطین مختلف، کمکی به اصلاح و بهسازی سازمان خواهد کرد؟

اولاً تلاش برای بازگرداندن امر بسیار مبارک و خجسته‌ای است، ضمن اینکه متعقدم خیلی به تلاش نیاز نیست. به نظر من کافی است تلویزیون رفتارش را درست کند.

■ **رفتارش را درست بکند یعنی چه؟**

رفتارش را درست کند؛ یعنی اینکه خود را مرکز عالم تلقی نکند و فهم خودش را از فرهنگ، هنر، رسانه، جامعه و... را فصل الخطاب نداند. برگردم به آن ترجیع‌بند همیشگی‌ام در ۳۰ سال گذشته که دستگاه رسانه‌ای مثل تلویزیون باید مرزش را منافع ملی بگذارد. ببخشید! شما پیش از همین مصاحبه، به آخرین حضور من در برنامه نام‌چم تلویزیون اشاره کردید و به شوخی گفتید آقای نبوی، ظاهراً با آن حرف‌های ناممنوع‌التصویر شدید. این شوخی شما حاکی از رفتار گذشته این سازمان است که به محض اینکه مورد نقد قرار می‌گرفت، افراد را ممنوع‌التصویر می‌کرد. تلویزیون حق ندارد این کار را بکند. پس به نظر من برگشتن مجموعه‌ای از این افراد خنده‌دار نیست؛ چرا خنده‌است؟ چون اینها سرمایه کشورند. آقای پرویز پرستویی سرمایه کشور است؛ چرا نباید مردم هنر تماشا او را در تلویزیون ببینند. چرا نباید آقای پرویز پرستویی شوق و رغبت داشته باشد برای حضور در یک اثر تلویزیونی. آیا یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر کرد از تلویزیون. حتی اگر قهرش هم به زعم مدیران دلیل موجهی ندارد، باید پرویز پرستویی امکان حضور در تلویزیون داشته باشد چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب چون تلویزیون خانه او است. مگر بچه‌قهر می‌کند یا پدرش، شب یلخان رفته‌است هنرآفرینی شگفت ایشان را در سریال «زیرپتبع» ریدمان رفته‌است بازی ایشان را در سریال امام علی. بزرگ‌سافهر